

فهرست

صفحه	عنوان
۱	چالش‌افز مشارکت.....
۱	۱ تصحیح چند غلط مشهور:.....
۱	۱-۱ رد صلاحیت‌ها و میزان مشارکت:.....
۱	۱-۲ دولت‌های دموکراسی خواه و میزان مشارکت:.....
۱	۱-۲-۱ در دولت اصلاحات:.....
۱	۱-۲-۲ دولت روحانی:.....
۲	۱-۳ گرانی و تورم و میزان مشارکت:.....
۲	۱-۴ فتنه و میزان مشارکت:.....
۲	۲ فرضیه مقبول: ضعف یا قوت پیشران‌های نظام انقلابی!.....
۲	۲-۱ مقدمه: ساخت حقیقی و حقوقی نظام:.....
۲	۲-۲ پیشران‌های اجتماعی-سیاسی برای ساخت حقیقی:.....
۴	۳ تحلیل افزایش و کاهش مشارکت‌ها:.....
۴	۳-۱ تحلیل نمودار سینوسی ۱۱ انتخاب:.....
۵	۳-۲ تحلیل نقطه‌ای مشارکت‌ها:.....
۵	۳-۲-۱ مجلس دوم با رشد ۱۲ درصدی:.....
۵	۳-۲-۲ مجلس پنجم با رشد ۱۳ درصدی:.....
۵	۳-۲-۳ مجلس نهم با رشد ۱۰ درصدی:.....
۵	۳-۲-۴ کاهش ۱۹ درصدی مجلس هفتم:.....
۶	۳-۲-۵ کاهش مشارکت ۱۹ درصدی در انتخابات مجلس یازدهم!.....

چالش افت مشارکت

در این یادداشت اول چند غلط مشهور، تصحیح می‌شود بعد فرضیه مورد قبول طرح می‌شود و در آخر بالاترین و کمترین مشارکت‌ها به شکل نقطه‌ای و هم نمودار سینوسی تحلیل می‌شود:

۱ تصحیح چند غلط مشهور:

۱-۱ ارد صلاحیت‌ها و میزان مشارکت:

مجلس دوم برای اولین بار شرط اعتقاد به اسلام و التزام عملی به ولایت فقیه برای نامزدها لحاظ شد. گروه‌های متعددی مثل مجاهدین خلق و حزب توده و... با آن رد صلاحیت شدند. نهضت آزادی هم بدین خاطر اعتراض کرده، انتخابات را تحریم کرد. اما مشارکت نسبت به مجلس اول، ۱۲ درصد رشد کرد!

مجلس چهارم، نظارت استصوابی ظهور کرد. در بدو امر ۷۰ نفر از جناح چپ از جمله برخی نمایندگان مجلس سوم، رد صلاحیت شدند. اما جنجال بر سر نظارت استصوابی، کمتر از ۲ درصد در مشارکت عمومی اثر داشت! جالب‌تر اینکه تهران بعنوان مرکز سیاسی جریان حذف شده، مشارکتی بالای ۸۲ درصد را رقم زد! شرایط نمایندگی و رد صلاحیت‌ها در میزان مشارکت عنصر تعیین کننده‌ای نبوده است.

۱-۲ دولت‌های دموکراسی خواه و میزان مشارکت:

دولت‌های مدافع توسعه سیاسی و شعار دموکراسی نتوانسته‌اند مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی را افزایش دهند بلکه از قضا مشارکت در این دولت‌ها کاهش معنادار یافته است!

۱-۲-۱ در دولت اصلاحات:

مجلس ششم (سال ۷۸) از مجلس پنجم (سال ۷۴)، کاهش ۴ درصدی و مجلس هفتم (سال ۸۲) با افت شدید ۱۹ درصدی نسبت به ششم مواجه شد!

فاجعه بارتر شورای شهر دوم تهران بود که کلاً ۱۲ درصد مشارکت شکل گرفت! (احیای شوراها، ابتکار جنبش اصلاحات بود که باید برایش برنند می‌ماند!)

۱-۲-۱ دولت روحانی:

مجلس دهم (سال ۹۴) از مجلس نهم (سال ۹۰)، کاهش مشارکت داشت. مجلس اخیر نیز پایین‌ترین مشارکت (۵/۴۲ درصد) را ثبت کرد!

کمترین مشارکت‌های پارلمانی با میزان ۵۱ درصد و ۴۲ درصد در دولت‌هایی با شعار جمهوریت و آزادی و دموکراسی بوده است!

۳-۱ گرانی و تورم و میزان مشارکت:

این نیز عامل تعیین کننده نیست. بیشترین مشارکت‌ها در دوره‌های تورم و تحریم بوده است! رکورد مشارکت مجلس، در دوره پنجم است با بیش از ۷۱ درصد. تورم در این سال‌ها ۴۹ درصد و باز در رکورد تورم است!

مجلس نهم، رتبه دوم میزان بالای مشارکت (نزدیک با مجلس دوم) را دارد با حدود ۶۴ درصد. تورم در این سال‌ها ۲۰ تا ۳۰ درصد بود و تحریم‌های گوی طلایی و نقره‌ای آمریکا هم شروع شده بود!

۴-۱ فتنه و میزان مشارکت:

فتنه‌ها و درگیری‌های خیابانی معمولاً کدورت‌ها و مشکلاتی پیش می‌آورد که ممکن است موجب قهر کردن برخی با صندوق‌ها شود. اما نگاه به ادوار گذشته روشن می‌کند این هم عامل تعیین کننده در کاهش مشارکت نیست! مجلس نهم، دو سال بعد از اعتراضات خیابانی ۸۸ و حواشی آن برگزار شد؛ اما رکورد دوم (یا سوم) بالاترین مشارکت پارلمانی پس از انقلاب را با حدود ۶۴ درصد رقم زده است!

۲ فرضیه مقبول: ضعف یا قوت پیشران‌های نظام انقلابی!

۲-۱ مقدمه: ساخت حقیقی و حقوقی نظام:

همانطور که ما یک بدن داریم و یک روح که در اتحاد باهمند؛ نظام سیاسی نیز یک پیکره دارد که قانون اساسی، مجلس، دولت، قضائیه، شورای نگهبان، انتخابات و... است. اینها را "ساخت حقوقی" می‌گویند. یک هویت حقیقی، معنا و مضمون که در حکم روح برای نظام سیاسی است هم دارد؛ که "ساخت حقیقی" نام می‌گیرد. این هویت حقیقی، همان "آرمان‌های انقلاب" است. عدالت، کرامت انسانی، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، آزادی، پیشرفت، ایستادگی مقابل بیگانه و استقلال و...^۱

۲-۲ پیشران‌های اجتماعی-سیاسی برای ساخت حقیقی:

گاه ممکن است عضوی از بدن، لمس شود؛ دندانی پوک شود؛ عضوی علیل شود. این وقتی است که حضور روح در آن اعضاء کم شده است.

اجزاء یک نظام سیاسی (ساخت حقوقی) هم چنین است. ممکن است مجلسی نامش، شورای اسلامی باشد؛ اما واقعا شورا یا اسلامی نباشد! دولتی در نام اسلامی باشد اما با بقیه سلاطین فرقی نکند! شورای نگهبانی باشد اما نگهبانی واقعی از قانون

^۱ ر.ک: کتاب صورت و سیرت انقلاب اسلامی

اساسی و شریعت اسلام در برنامه‌های توسعه و قوانین نکند! دستگاه قضائی باشد، اما گردن کلفت‌ها را به عدل نگیرد و ضعیف‌کشی کند! و...

در همه این موارد آن نهادها و ساخت‌های حقوقی از هویت انقلابی خود خالی شده‌اند و مثل دندان پوک مانده‌اند.

پیشران‌های اجتماعی-سیاسی برای ما، گروه‌های فعال انقلابی و ناظران بصیر مردمی در بدنه انقلابند که کارشان دمیدن روح در اعضاء تنبل و لمس شده است. بدنه فعالی که از لایه‌های "فکر" تا "فرهنگ عمومی" و از آنجا تا "گفتمان‌های سیاسی" و "جنبش‌های اجتماعی-سیاسی" را برعهده می‌گیرند. ساخت حقیقی، سازه‌های حقوقی نظام را دنبال می‌کنند و از کلیشه شدنشان جلوگیری می‌کنند.

برای آرمان‌های اصیل مردم انقلابی، "طرح و نظریه"، همراه با "نقد و اعتراض" دارند. "کیش شخصیت" ندارند. "وفادار به ارزش‌ها" هستند. لذا لازم شد از منتخب خود هم می‌گذرند. از جریان‌های سیاسی کهنه شده، رد شده و آنها را متناسب با موقعیت میدان، نو و بالنده می‌کنند.

فارغ از ارزش‌گذاری و قضاوت که: کدام پیشران "نظام انقلابی" بوده‌اند و کدام پیشرانی برای "استحاله نظام" به نظام‌های موجود دنیا بوده‌اند؛ می‌توان این جریان‌ها را پیشران اجتماعی-سیاسی ۴دهه معاصر خواند:

- جنبش اسلام مرفقی (قرائت حزب جمهوری و مؤتلفانش از اسلام که همراه با آزادی و جمهوریت و... است)
- جنبش دوم خرداد و جریان اصلاحات (که دنبال اسلامیزه کردن جامعه مدنی، توسعه سیاسی و... بود)
- جریان عدالتخواهی دهه ۸۰ و ۹۰ که از احیای آرمان‌های انقلاب تا قرائتی نیمه منسجم بنام مکتب ایرانی را در خود داشت.
- و...

با این مقدمات فرضیه مقبول ما این است که :

هر وقت پیشران‌های اجتماعی-سیاسی قوی‌ای در جامعه به سمت ساخت حقیقی و هویت انقلاب اسلامی شکل گرفته، مشارکت افزایش یافته است. و هر وقت این پیشران‌ها دچار انحراف از ساخت حقیقی و "توازن آرمان‌ها" شدند یا دچار تسامح شده با ساخت حقوقی کلیشه شده، ساخت و پاخت کردند؛ قوت خود را از دست داده و بدنه مردم را از دست می‌دهند. در این صورت مشارکت مردم رو به کاهش می‌رود چون پیشران‌های مناسب را نمی‌یابند.

این را نباید صرفاً به نظام حزبی تقلیل داد یا با آن یکی گرفت. نظام حزبی در ذات خود ایستایی و ماندن مدید در دو قطبی کاذب را دارد. اما این پیشران‌ها، انقلابی، جهشی و نو شونده‌اند، حتی اگر در مقطعی خود را با حزبی نشان دهند.

احزاب ثابت، خود بهترین مثل برای ساخت‌های حقوقی‌اند که نیاز به روح و هویت نو دارند.

۳ تحلیل افزایش و کاهش مشارکت‌ها:

۱-۳ تحلیل نمودار سینوسی ۱۱ انتخاب:

اگر آمار مشارکت یازده دوره را کنار هم قرار دهیم، نموداری پیدا میشود:

دور دوم (سال ۶۳) رشد مشارکت است (۶۴ درصد). سپس تا دور چهارم (سال ۷۱) سیر نزولی مشارکت طی می‌شود (از ۶۴ درصد به ۵۹ درصد و ۵۷ درصد)!

دوره پنجم (سال ۷۴) جهش مشارکت (۷۱ درصد) اتفاق می‌افتد. دوباره تا دور هشتم (سال ۸۶)، سیر نزولی مشارکت را شاهدیم. (۶۷ درصد و ۵۱ درصد و ۵۱ درصد)!

دوره نهم (سال ۹۰) باز جهش مشارکت (۶۴ درصد) را داریم و دوباره تا دوره یازدهم افت مشارکت (۶۱ درصد و ۴۲ درصد)!
تولد، رشد، توقف یا انحراف سه پیشران یاد شده با میزان مشارکت نسبت مستقیم دارد:

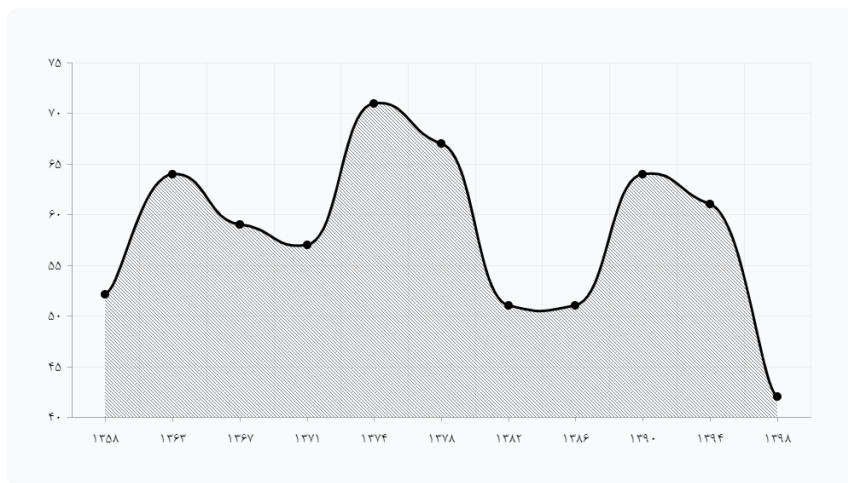
دهه ۶۰، موج اسلامی کردن نظام سیاسی و رقابت با اندیشه‌های الحادی و التقاطی، مشارکت بالا می‌آفریند.

حدود ده سال ایستائی و کشمکش‌هایی که برای جامعه، فردی و قبیله‌گی جلوه می‌کند؛ افت مشارکت را موجب می‌شود (تا مجلس چهارم).

روشن‌تر شدن تفاوت‌ها و تمایزهای گفتمانی گذشته و دیالکتیک بین "پیشرفت و سازندگی" با "آزادی و جمهوریت"، مشارکت بالای مجلس پنجم را موجب می‌شود که کمی بعد نقطه شروع جنبش اصلاحات می‌شود.

حدود ده سال پیشران اصلاحات بخاطر عدم استفاده درست از آزادی در مسیر عدالت و هم انحراف به گفتمان‌های بیگانه و غیر بومی، افت مشارکت را به همراه می‌آورد. البته رقیب هم طرح تازه و پیشرانی ندارد و محافظه کار مانده است. (مجالس ششم و هفتم)

آشکار شدن آثار توسعه اقتصادی با رشد حاشیه‌نشینی در شهرها، زمینه "خیزش عدالت‌خواهانه و مبارزه با تبعیض" می‌شود. اتفاقی که در ۸۴ بروز می‌کند. البته بخاطر نداشتن تشکیلات سازمان یافته کشوری، مجلس این جریان متاخرتر می‌رسد. مشارکت بالای مجلس نهم، پدیده‌ای، کاملاً شبیه پدیده دولت نهم است: روی کار آمدن چهره‌های نو (۱۶۹ نمایندهٔ اولی و رای نیاوردن ۱۱۰ نماینده مجلس!). این مثالی گویا از آمدن حاشیه به متن است که با آن پیشران اتفاق افتاد.



۳-۲ تحلیل نقطه‌ای مشارکت‌ها:

۳-۲-۱ مجلس دوم با رشد ۱۲ درصدی:

جریانات الحادی و التقاطی با شرط اعتقاد به اسلام و التزام عملی به ولایت فقیه حذف می‌شوند. پیشران اجتماعی-سیاسی نیروهای انقلاب، اسلامی کردن نظام سیاسی و حفاظت از استقلال کشور در مقابل صدام است. لذا حامل هویت انقلاب برای پیکره ظاهری نظام است؛ پس مشارکت بالایی را رقم می‌زند.

۳-۲-۲ مجلس پنجم با رشد ۱۳ درصدی:

با وجودی که بار دوم است نظارت استصوابی اعمال می‌شود و برخی حذف شده، برخی گروه‌ها انتخابات را تحریم کرده‌اند؛ مشارکت، رکورد ۷۱ درصدی می‌زند!

شعار طیفی ادامه سازندگی و پیشرفت است و به تهاجم فرهنگی و حمله به استقلال فرهنگی کشور توجه می‌دهند. طیف دیگر شعار جلوگیری از انحصارطلبی جناح حاکم و سوء استفاده از نهادهای قانونی دارند.

پیشرفت و استقلال و هم آزادی و منع انحصار، همه از آرمان‌های انقلاب است و ظرفیت رقابتی گسترده را می‌آفریند. برای آن شعارها مصادیقی در میدان هست؛ لذا هرکس بسته به تشخیصش از میدان و اولویت آرمانی‌اش، طیفی را رأی داده و نتیجه‌ای شکل می‌گیرد.

۳-۲-۳ مجلس نهم با رشد ۱۰ درصدی:

پیشران آمدن از حاشیه به متن و چالش با محافظه‌کاری موجود در جناح‌های موجود، ظرفیت مشارکت بالا را موجب می‌شود. چه آنهایی که می‌خواهند از طریق مجلس کارآمد، دولت و رئیس آنرا کنترل کنند و مانع استمرار بناپارتیسم شوند؛ چه آنهایی که از مجلس بهانه‌گیر علیه دولت بیزارند و دنبال تغییرند؛ و بخصوص نیروی آزاد شده‌ی حاشیه، برای نشستن در متن و جابجایی نخبگان؛ پیشران قدرتمندی است که مجلسی مثل دولت نهم را رقم می‌زند: آدم‌های نو و تازه و بی‌سابقه در نظام سیاسی.

۳-۲-۴ کاهش ۱۹ درصدی مجلس هفتم:

گفتمان اصلاحات با مشغول شدن با غیر اولویت‌ها بخصوص در مجلس ششم، از توده مردم فاصله گرفت و برای اقلیت نخبگان روشنفکر شد. رقیب او نیز هیچ طرح تازه‌ای نداشت و محافظ پیشا اصلاحات ماند! این مواجهه، کمترین ظرفیت برای مشارکت حداکثری داشت. مردم مطالبه خود و ارتکازشان از آرمان‌های انقلابشان را در هیچ طرف ندیدند؛ پس بیش از ۵۱ درصد به میدان نیامدند!

^۲ مقاله ۱۸ خرداد آری، ۱۸ بروم نه از سعید حجاریان و هم مصاحبه با آوا ارگان رسمی انجمن فرهنگ و سیاست دانشجویان دانشگاه شیراز ش ۶۴

۳-۲-۵ کاهش مشارکت ۱۹ درصدی در انتخابات مجلس یازدهم!

اینبار برای اولین بار پس از انقلاب به زیر ۵۰ درصد سقوط کرد (۴۲ درصد)!

از آخرین پیش‌سازان اجتماعی-سیاسی (عدالت‌خواهی و آمدن حاشیه در متن و چالش‌های رقیب‌بیش) بیش از یک دهه می‌گذرد. آورده‌ی دولت اعتدال‌گرایان به حسب اجتماعی در حدیک‌گفتمان هم نیست؛ بلکه تاکتیکی جدید برای همان گفتمان "صلح در بیرون، دموکراسی در خانه" است. همین هم در عمل موفقیت چشمگیری نیافت.

بیشترین تعطیلی کارگاه‌ها و اعتراض‌های کارگری را در این دوره داریم که جز بی‌جوابی یا سرکوب‌جوابی ندارند! اعتراضات عمومی‌تری در دی ۹۶ و آبان ۹۸ شکل می‌گیرد که باز بدون جواب می‌ماند. به فتنه خیابانی کشیده شدن توسط بیگانه و سرکوب آنها توسط نظام، پاسخ معترضین نمی‌شود.

ساخت حقوقی‌ای مثل مجلس، از ساخت حقیقی، فاصله‌ی معنادار گرفته است: "نه شورا است و نه اسلامی!"

- تصویب برجام در ۲۰ دقیقه، بخاطر توافق سه نفر (فقط یکی در مجلس و رئیس آن) بود.
- رئیس مجلس جای ۲۹۰ نماینده در مصوبه‌ی بنزینی سران می‌نشیند. همین دو نمونه‌ی چالش برانگیز برای "مجلس شورا" نماندن، مجلس کافی است!
- فساد اقتصادی نمایندگان که موجب رد صلاحیت جمع بزرگی از آنها شد، "اسلامی" بودن آنها هم زیر سؤال برد!
- رئیس‌جمهور از شنود، رفراندوم، حق انتقاد (حتی از معصوم)، ترس از جرم شدن جمهوری و... می‌گوید اما طرفدارانش هم اینها را جز برای فرار از مسئولیت‌هایش نمی‌گیرند. لذا هیچوقت پشت سر او موجی مثل دهه ۷۰ با خاتمی راه نمی‌افتد!
- اصلاح‌طلبان نیز از "گفتمان" و "جنبش اجتماعی" به "توجیه‌گر" دولتی ضعیف تنزل کرده‌اند. آدم‌های در صحنه و درون نظامشان واقعا اصلاح‌طلب نیستند و فقط از نام آن بهرمنندند. و بیرونی‌ها یا اپوزیسیون و برانداز شده‌اند یا منفعل و بی‌طرح و برنامه مانده‌اند. پس با افت شدید اعتماد عمومی مواجه‌اند.
- اصولگرایان با شعب مختلفشان از قالیباف تا محصولی هیچ حرف و طرح تازه‌ای نیاورده‌اند. نقد و اعتراضشان هم "تبعیضی" و هم "تاکتیکی" و فقط از دولت روحانی است.
- برای تجمعات آزاد، تضمین بالاتر جمهوری و شورا بودن مجلس هیچ سخن جدی ندارند.
- عدالت و مبارزه با فساد جز استفاده ابزاری برای زدن رقیب هیچ‌وزنی در گفتمان آنها ندارد.
- قالیباف رسماً خود را تکنوکرات می‌داند و فرقی با تیم روحانی به‌عرضه و پرکاری‌اش است نه تفاوت طرح توسعه‌اش!
- محصولی میلیاردی با وزیران میلیاردی روحانی تفاوت جوهری در فقر و غنی ندارد.
- پایداری هم جز غلط‌گیری‌های اعتقادی از حزب مشارکت تا جریان مشایی هنری از خود نشان نداده است!
- احمدی‌نژاد هم پس از چندبار عرضه خود و نزدیکانش در انتخابات‌ها و رد شدنشان، سکوت پیشه کرد. اقلاً رسماً و علناً لیستی نداد و طرح و نقدهای منتشره خود را در گفتمانی انتخاباتی عرضه نکرد.
- نیروهای مستقل، عدالت‌خواهان جوان و... نیز، هم بهانه تخریب داشتند و هم آدم شاخصی پای آنها نایستاد.

- از سال قبل با برخی روحانیون انقلابی ارتباط می‌گرفتند؛ اما یکباره آقایان همراه کارشناسان سمت خدا، پشتوانه معنوی لیست اتحاد شدند تا نقش تکرار خاتمی را بیافرینند! محافظه کاری را بر آفرینش جریان‌های تازه، ترجیح دادند.

همه اینها موجب شد یک پیشران قوی اجتماعی-سیاسی به سمت توازن آرمان‌های انقلاب شکل نگیرد.

معترضین آبان، آدم خود را در صحنه سیاسی نبینند. کارگر و کارخانه‌دار و دانشجو و... کمتر نامزد خود را بیابند. این صرفاً بخاطر رد صلاحیت اصلاح‌طلبان نیست که بود آنها هم مثل نبود، بود.

اعتراضات آبان از قضا ظرفیت بالایی برای مشارکت می‌بود؛ اگر معترضین می‌دیدند مشارکت انتخاباتی‌شان، بدون فتنه خیابانی شدن، مطالبه حقوق‌شان می‌کند. به حسب نظر سنجی‌ها ۱۵ درصد کاهش مشارکت بخاطر همین اعتراضات جواب نگرفته است.

اما ترجیح داده شد خلاف مشهورات و حرف‌های تکراری چیزی گفته نشود و فقط از عکس و یاد سردار دل‌ها برای مشارکت بیشتر استفاده شود!

برای جهش مشارکتی دوباره نیازمند پیشرانی اجتماعی-سیاسی قوی هستیم؛ که مسائل عینی جامعه را در راستای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب معنا کند. نقد و اعتراض روشن و همه‌جانبه (نه تبعیضی و جناحی) و طرح و برنامه کامل داشته و با آدم‌هایی منطبق بر آن آرمان‌ها عرضه‌اش کند.

محسن قنبریان

۹۸/۱۲/۴